

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۳

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

پردازش توصیفی - تحلیلی سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در شعر «ابوالمحاسن» و «همای شیرازی»

محمد بستان^۱

بهناز نظری^۲

چکیده

انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از مهم‌ترین مسائل در حوزه مهدویت است که در اندیشه شاعران به صورت زنده و کارآمد تجلی پیدا کرده است؛ امری که با تفسیرها و برداشت‌های گوناگون در میان منتظران آن حضرت مطرح بوده است. در این میان، شمار بسیاری از شاعران به توصیف سیمای حضرت و تبیین مسئله مهدویت اقدام نموده‌اند؛ ابوالمحاسن (۱۲۹۳-۱۳۴۴.ق) و همای شیرازی (۱۲۱۲-۱۲۹۰.ق) از شاعران ملتزم به اهل بیت علیهم السلام و از ادیبان توانای ادب فارسی و تازی هستند که به خوبی توانسته‌اند با بیان شیوای خود، ارادت خالصانه خویش را به ساحت امام عصر عجل الله تعالی فرجه در عرصه شعر به نمایش بگذارند.

نگارندگان در این جستار به دنبال آن بوده‌اند تا به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی^۳ اشتراکات فکری دو شاعر در زمینه‌هایی همچون: میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه، سیمای امام، در انتظار ظهور

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام‌آباد غرب (نویسنده مسئول)
(mohamadbostan90@gmail.com).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی کرمانشاه.

۳. پژوهش حاضر بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، که تأکید بر مطالعات زیباشناختی، میان رشته‌ای و بینافرهنگی از ویژگی‌های برجسته این نظریه است، پیش رفته است.

منجی (انتظار و صبر و تأثرانده در فراق و اشتیاق)، غیبت، مدینه فاضله مهدوی، برپایی عدالت، مبارزه با ظلم و جور (مبارزه با بدعت‌ها)، احیای سنت پیامبر ﷺ و... را با استناد به شواهدی از اشعار این شاعران، به نمایش گذاشته و به بررسی سیمای مهدویت در شعر این دو شاعر پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

امام مهدی ﷺ، ابوالمحاسن، همای شیرازی، مهدویت، شعر فارسی و عربی، ادبیات تطبیقی.

مقدمه

«مهدویت» به عنوان یکی از باورهای اساسی شیعه، زیباترین تجلی خود را در عرصه ادبیات متعهد و به ویژه در شعر یافته است. در این میان ادبیات متعهد فارسی و عربی جولانگاه هنرنمایی شاعرانی بوده است که به وسیله شعر و ادب اقدام به دفاع از عقاید بر حق اهل بیت علیهم السلام درباره امام مهدی ﷺ و انتشار معارف دینی خود درباره ایشان در عصر غیبت نموده‌اند و شاعران گاه به صورت کنایی و نمادین و گاه به شکل روشن و آشکار، از امام مهدی ﷺ به عنوان منجی و موعود یاد کرده‌اند. این نوع شعر به حیات خویش ادامه داده است؛ امری که شکل‌گیری باب جدیدی را در زمینه شعر و ادب، با عنوان ادبیات مهدوی را منجر شده است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). ابوالمحاسن^۱ از شاعران بزرگ و مشهور کربلا و همای شیرازی^۲ شاعر مطرح فارسی به دفاع از اهل بیت علیهم السلام

۱. اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ستاره‌ای در میان شاعران درخشید و به عنوان بزرگترین شاعر کربلا ظهور کرد. نام وی محمد حسن ملقب به ابوالمحاسن بن الشیخ حمادی بن محسن بن سلطان آل قاطع الجناحی، است که نسبت او به روستای جناح که به اسم قنایه شهرت دارد می‌رسد. وی شخصی شجاع از قبیله بزرگ آل علی در شام است. گروهی از آنها در حجاز سکونت داشتند و این قبیله در نسبش به جنگجوی مشهور به اسم مالک اشتر الانخعی برمی‌گردد. ابوالمحاسن در کربلا در سال ۱۲۹۳ در این قبیله پرورش یافت و ادب و فقه را از گروهی از علماء و ادباء که مشهورترین آنها سید محمد حسین المرعشی شهرستانی و شیخ کاظم «ملقب به هر»، اسم آنها در این دیوان ذکر شده است، آموخت. وی تنها به آموختن فقه و ادب اکتفاء نکرد، بلکه به تاریخ و جغرافیا و علوم دیگری که در آن مدت متداول بود روی آورد. از جمله اخلاق و صفات بارز او، باهوشی، بدیهه‌سرایی، فهم ادب، خوش‌رویی، مظهر وقار و زیبایی و دوستی بوده است. همچنین بزرگی اصل و نسب، بلند همتی و عزت نفس او را باید برشمرد. هر چند اطلاعات زیاد دیگری در مورد شاعر در دست نیست، ولی آثار بجای مانده از وی همین دیوان خطی است که گروهی از ادباء و پژوهشگران بر اساس حروف هجایی آن را دسته‌بندی کرده‌اند، تا نام شاعر و میراث ادبی عراق را زنده نگه دارند. (ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۸-۱۰)

۲. رضا قلی خان بن ملا بدیع بن ملا شاه جهان شیرازی (۱۲۱۲-۱۲۹۰)، عالم، ادیب، شاعر، و از ارادتمندان عرفان و تصوف و از مشاهیر شعرا و گویندگان قرن سیزدهم هجری است. وی را پنج پسر و سه دختر بوده است. اولاد و عقب او

پرداخته و در مدح و ستایش امام مهدی (عج) شعر سروده‌اند.

نگارندگان در پژوهش حاضر به دنبال آن بوده‌اند؛ تا ضمن معرفی «ابوالمحاسن» و «همای شیرازی» به عنوان دو شاعر متعهد به مکتب اهل بیت (ع) بر بنیان دیدگاه‌های مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی که به بررسی وجوه مضامین اشتراک و افتراق می‌پردازد، با نگاهی تطبیقی و به روش توصیفی - تحلیلی این قصاید را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

۱. پرسش‌های تحقیق

۱. وجوه اشتراک و افتراق مضامین شعری این دو شاعر در چه زمینه‌های است؟
۲. تاثیرگذاری کدامیک از این دو شاعر در باب مهدویت، بیشتر است؟

۲. فرضیه‌های تحقیق

آنچه به عنوان پاسخ به پرسش تحقیق در این پژوهش مطرح است، مباحثی همچون: میلاد امام عصر (عج)، سیمای امام، انتظار ظهور منجی (انتظار و صبر و تأثر اندوه در فراق و اشتیاق)، غیبت، مدینه فاضله مهدوی، برپایی عدالت، مبارزه با ظلم و جور (مبارزه با بدعت‌ها)، احیای سنت پیامبر (ع) و... است که از مضامین مشترک در شعر این دو شاعر است و هر کدام به نوبه خود توانسته‌اند در بیان احساس خویش این اوصاف را در جایگاهی شایسته عنوان کنند تا بتوانند تأثیرپذیری خود را در بیان خویش نشان بدهند.

در تهران و اصفهان ساکن و عموماً اهل فضل و کمال و شعر و ادب می‌باشند و همگی به مناسبت تخلص جدشان به همایی معروفند. سه نفر از پسرانش که اهل علم و ادب بوده‌اند عبارتند از:

۱. میرزا ابوالقاسم محمد نصیر متخلص به (طرب). ۲. میرزا محمد حسین ملک الشعراء متخلص به (عنقا). ۳. میرزا محمد سها، شاعر ادیب عارف پیشه، متوفی در ۲۳ ماه صفر سال ۱۲۳۸، مدفون در تخت فولاد، در جهت شمالی تکیه کازرونی. شیرازی، علوم مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت و سپس برای ادامه تحصیل عازم نجف شد و مدت هجده سال در آنجا به کسب کمال پرداخت. روزگاری نیز در کشورهای عربی و هندوستان و ترکستان گذرانید و از هر خرمی خوشه‌ای چید و از هر بلبل نوا نوا شنید آنگاه به ایران بازگشت و به دربار محمد شاه قاجار راه یافت و طرف توجه شاه واقع گردید. پس از مرگ محمد شاه به حلقه شاعران دربار ناصرالدین شاه پیوست و عزت و احترامی تمام دید چنانکه همواره از ملازمان رکاب همایونی بوده است. در قصیده سرائی توانائی کامل داشت و اغلب قصایدش در مدح محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار و ائمه اطهار سروده شده است. دیوان اشعارش به نام «شکرستان» به همت اولادش به طبع رسیده که در ۵۸۲ صفحه شامل بیست هزار بیت قصیده، غزل، قطعه و مثنوی است. سرانجام در قبل از ظهور روز پنجشنبه ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۲۹۰ در اصفهان وفات یافته، در پای ستون جنوبی صحن امامزاده احمد مدفون گردید. (شیرازی، ۱۳۶۳: ۳-۶)

۳. ضرورت، اهمیت و هدف

ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش، بیشتر از آن جهت است که امروزه ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های تأثیرگذار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. با توجه به اهمیت چنین موضوعی، تلاش شده است^۱ تا به بررسی عقاید مشترک این دو شاعر و یکی از محورهای اصلی شعرشان که مضامین مهدویت است، پرداخته شود. ضمن معرفی این دو شاعر زبان عربی و فارسی، هدف اساسی این پژوهش نظری، نیز آن است که به بررسی و تحلیل مضامین مهدویت و بیان وجوه اشتراک و افتراق این مضامین بپردازیم.

۴. پیشینه تحقیق

در باب پیشینه پژوهش، لازم است که اشاره شود تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان فوق صورت نگرفته است. اما برخی نویسندگان به بعضی زوایای این موضوع اشاره کرده‌اند. در خصوص بررسی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر، آثار مختلفی به صورت کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی پدید آمده است از جمله این آثار می‌توان به کتاب «سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر فارسی» (مجاهدی، ۱۳۸۴) و «سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی» (عبداللهی، ۱۳۸۴) اشاره کرد که نویسنده در آن اقدام به ذکر برخی از اشعاری نموده است که شاعران عرب طی چهارده قرن گذشته درباره امام عصر علیه السلام سروده‌اند. افزون بر این، در پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد و شرح نیمه نخست دیوان همای شیرازی» (ایوبی، ۱۳۹۲) نویسنده به شرح و نقد ابیات نیمه نخست دیوان شیرازی پرداخته است. همچنین، مقاله‌ای با عنوان «امام زمان علیه السلام، نوستالژی آینده‌گرا در شعر سلمان هراتی» (غنی‌پور ملک‌شاه و همکاران، ۱۳۸۴) و مقاله «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر معاصر فارسی و عربی» (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سید رضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور) (خسروی و همکاران: ۱۳۹۲) که نگارنده گان آن به تحلیل و بررسی مضامین مشترک در خصوص موضوعات مهدوی پرداخته و سپس وجود افتراق این موضوعات را نیز در شعر برخی از این شاعران بیان داشته‌اند و به این نتیجه دست پیدا کرده‌اند که شاعران فارسی زبان، با

۱. این توضیح از زینی‌وند به عاریت گرفته شده است (۱۳۹۵).

بیان ادبی و با استفاده از تعابیر استعاری، کنایه و تشبیه امام مهدی (عج) را توصیف کرده‌اند در حالی که شاعران عرب بیشتر به صورت مستقیم وصف ایشان را مد نظر داشته‌اند و برای جاودانگی و تأثیرگذاری بر مخاطب از آیات و روایات اقتباس کرده‌اند. حال در این پژوهش برآنیم تا مضامین مشترک شعری در مدح و ستایش امام مهدی (عج) را در شعرابی المحاسن و همای شیرازی مورد تحلیل قرار داده و در بعضی موارد به وجود افتراق بین آنها نیز بپردازیم.

۵. روش تحقیق و چارچوب نظری

این پژوهش، به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین فضای مجازی، صورت گرفته است. اساس پژوهش در این مقاله، بر بنیان رویکرد مکتب آمریکایی استوار است؛ این مکتب برخلاف مکتب فرانسه، بر این باور است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست، بدین مفهوم که بدون این که مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد و یا این که ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴). نوشتار حاضر با رویکردی تطبیقی به واکاوی مضامین مشترک و متفاوت مهدویّت در شعر «ابوالمحاسن» و «همای شیرازی» پرداخته است.

بحث

مهدویّت به عنوان رکنی اساسی در مبانی اعتقادی شیعه، از دیرباز جلوه‌ای خاص در اشعار شاعران متعهد به مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) داشته است و شاعران در دواذب پارسی و عربی با ذوق و قریحه خدادادی خویش، دست به خلق قصایدی زیبا در این عرصه زده‌اند. ابوالمحاسن از شاعران عرب زبان قرن چهاردهم و همای شیرازی از شاعران شیعه‌مذهب فارسی از جمله شاعرانی هستند که در اشعار خود، به بیان مضامینی مشترک در مدح و منقبت امام مهدی (عج) پرداخته‌اند؛ مضامینی که از ایمان و اعتقاد راسخ این دو نسبت به مدح و منقبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و امام مهدی (عج) حکایت می‌کند. در زیر به مواردی از آن اشاره شده است:

۱. میلاد امام مهدی (عج)

جشن میلاد امام عصر (عج) بزرگ‌ترین شادی شیعیان، جشن زنده شدن آرزوها و امیدها

و جشن آمادگی برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است. چون مادر آن حضرت زایید به سجده افتاد و ناگاه دید که در بازوی آن حضرت از نور نوشته بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ...»^۱ (إسراء: ۸۱) شاعران دوست دار امام عصر (ع) نیز از این عید بزرگ غافل نمانده و اشعاری درباره این موضوع سروده‌اند (حافظ برسی، ۱۳۸۹: ۲۴۶).

در نگاه ابوالمحاسن، شب میلاد امام پایان بخش تمام ناامیدی‌ها و آغازگر فرجی است که شاعر در پس آن برآورده شدن آمال و آرزوهای جنس بشر در تحقق دنیایی برتر را در آن دیده و تمام وجودش را شادی فراگرفته است. وی برای بیان این احساس اقدام به استفاده از الفاظ و ترکیب‌هایی نموده است که به وسیله آن حس شادی را به مخاطب القاء نماید؛ امری که در استعمال الفاظ و عباراتی همچون فعل «قَدْ بَشَّرْتُ» و یا «بُشِّرِي لَهُ» نمود پیدا کرده است. از سوی دیگر، وی تولد امام و ظهور ایشان بر صحنه گیتی را استعاره نور قرار داده که ناظر بر این معناست که وجود نورانی و مبارک آن حضرت تاریکی حاصل از فراگیری ظلم و ستم را برچیده و همچون چراغی در دل تاریکی، جهان را غرق در نور می‌گرداند. افزون بر این، شاعر تولد امام را سبب برکت ماه شعبان و مایه مباهات آن می‌داند و برای برجسته‌سازی این معنا از صنعت تشخیص استفاده می‌کند و رسیدن این روز را تبریک می‌گوید:

يَا لَيْلَةَ الْمِيلَادِ قَدْ بَشَّرْتَنَا بِنَجَاحِ أَمَالٍ أَمَانٍ وَأَمَانٍ
طُوبَى لِسُعْبَانَ وَيَا بُشِّرِي لَهُ فَلَقَدْ تَجَلَّى الثُّورُ فِي شُعْبَانَ
الْيَوْمَ إِعْلَامُ النُّبُوءَةِ قَدْ بَدَثَ آثَارَهَا وَتَمَثَّلَتْ لِعَيَانٍ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۴۹-۲۵۰)

ای شب میلاد! دست‌یابی به آرزوها و امنیت را به ما بشارت دادی. / خوشا به حال ماه شعبان و بشارت باد او را، چون نور در ماه شعبان تجلی پیدا کرده و روشن شده است. / امروز، روز اعلام نبوتی است که آثار و نشانه‌های آن روشن و عیان گشته است.

شاعر در بیتی دیگر اصالت‌مندی حضرت را یادآوری می‌کند و می‌داند که وی از جمله بهترین خلق است و این‌گونه است که وی منشأ برکاتی برای مردم می‌شود:

۱. حق و شایستگی پا به عرصه نهاد و بطلان از میدان در افتاد.

وَلَدَتْ أُمُّهُ الْكَرِيمَةَ مِنْهُ أَكْرَمَ الْخَلْقِ أَشْرَفَ النَّاسِ أَصْلَاصِ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۱۷۵)

مادر کریمه و بخشنده او با کرامت ترین و با شرف ترین مردم اصالتمند را بدنیا آورد.

شیرازی، تجلی وجود امام عصر (عج) بر زمین را نوید و مژده ای از جانب خداوند سبحان برای جهانیان دانسته و متولد شدن ایشان را گشایش دری از رحمت برای مردم برشمرد است. وی با استفاده از صنعت تشبیه، از امام به خورشیدی عالم گیر تعبیر کرده است که در آسمان امامت متجلی شده و به واسطه نور الهی خود، جهان را روشنایی بخشیده و از هلاکت مصون می دارد:

به صبح نیمه شعبان نوید رحمت حق به سوی خلق جهان می رسد کران بکران
جهان پیر از این تهنیت جوانی یافت رسید مژده عفو خدا به پیرو جوان
سروش غیب به عالم ندای رحمت داد که باز شد در رحمت به روی خرد و کلان
ز آسمان امامت دمید خورشیدی که عرش و فرش بود از تجلی آن
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۳)

افزون براین، وی در ابیاتی دیگر وجود امام را روح بخش جهان مرده و افسرده می داند و براین نظر است که جهان با حضور ایشان، رنگ روح و ایمان گرفته و همچون بهشت خداوندی سرشار از امید می شود. شاعر، فرزند عسکری (عج) را خجسته انسانی می داند که با آمدنش دین و ایمان به اکمال می رسند. به عقیده شاعر، خداوند با آمدن آن حضرت ندای غیبی خود را بار دیگر به مردم می رساند و خاکیان را از فرش به عرش می برد:

ز گلستان نبوت شکفت شاخ گلی که عطر سای ز بویش بود ریاض جهان
خجسته غنچه ای از باغ عسکری بدمید که عالم از نفس روح بخش اوست جوان
ازین سیم روانبخش که آمد از فردوس شکفته گلشن دین است و گلبن ایمان
(همو: ۴۰۳)

۲. سیمای امام مهدی (عج)

امام عصر (عج) از معدود انسان هایی است که از نهایت زیبایی صورت و اندام برخوردار است تا آن جا که پیامبر (ص) درباره او فرموده است:

المهدی طاووس اهل الجنة، علیه جلابیب النور؛

مهدی طاووس اهل بهشت است که هاله‌ای از نور او را احاطه کرده است
(گلیاگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۴۷).

ابوالمحاسن، در سروده‌های خود به توصیف سیمای ظاهری امام منتظر پرداخته و ایشان را در زیبایی صورت و سیمایی بدیل دانسته است؛ زیبایی و جمالی که کرامتی از جانب خداوند متعال بوده و در وجود مبارک امام متجلی شده است؛ حسنی که منجر به برتری شگفت‌آور ایشان شده است. از این روست که شاعر همچون عاشقی دلباخته جمال امام را مورد توجه قرار داده و به توصیف آن پرداخته است:

فِي حُسْنِ وَجْهِكَ سَاطِعُ الْبُرْهَانِ أَنْ لَيْسَ مِثْلُكَ فِي الْمَلَاخَةِ ثَانِي
خَازَتْ مَعَانِيكَ الْحِسَانَ عَرَائِباً بِنَدِيحِهَا جَبَرَتْ كُلَّ بَيَانٍ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۴۹)

مَا رَأَيْنَا لِحُسْنِ وَجْهِكَ مَثَلًا فَسَلَكْنَا طَرِيقَةَ الْحُبِّ مِثْلِي
(همو: ۱۷۵)

در زیبایی صورت تو، دلیل واضحی وجود دارد که در زیبایی و ملاحه و نمکین بودن دومی نداری. / معانی بلند وجودت بر همه شگفتی‌ها دست یافته است، و به واسطه این زیبایی و نوآوری، هریان روشنی به شگفتی درآورده است. / ما مانند روی زیبای تو تاکنون ندیده‌ایم. ما بدون هیچ نظیری راه و روش عشق ورزیدن را طی کرده‌ایم.

شیرازی، با استفاده از صنعت تشبیه به بیان این مفهوم اقدام نموده است. وی ظاهر مبارک امام را به ماه و خصال باطنی وی را به خصال پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام تشبیه کرده و بر زیبایی ایشان تأکید می‌ورزد. وی جلوه تمام انبیاء را در چهره امام عصر ﷺ می‌بیند که اخلاق همه اولیاء را در وجودش پنهان کرده است. علاوه بر این، شاعر تمام خصایص نبوی و آنچه را که در بطن قرآن است در وجود حضرت نمایان می‌بیند. این زیبایی به حدی است که جبرئیل نیز در توصیف آن زبان را قاصر می‌داند:

مهی لوای شهی زد که در شمایل او خصال احمدی و فرحیدرست عیان
زرآی او همه آثار انبیا ظاهر به خلق او همه اخلاق اولیا پنهان
بهم نبوت و قرآن نظیر جان و دلند دل نبوت، قرآن و او دل قرآن

سلاله نبی و شمع دودمان خلیل که جبرئیل در اوصاف او بود حیران
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۳-۴۰۴)

شاعر در ادامه برای برجسته سازی برخی از خصال امام، دست آویز شجاعت و
شهامت سبطین پیامبر (علیه السلام) شده که در طول تاریخ نظیری ندارند. همچنین وی را در
گفتار به کلام نهج البلاغه مانند می کند که این نیز در نوع خود در بین همه ادبای تاریخ
برجسته ترین است. در مفهوم پایانی بیت، شاعر معتقد است که وی قدرت اشاره دست
پیامبر (علیه السلام) را نیز با خود دارد:

شجاعتش چو حسین و شهامتش چو حسن

چو مرتضایش لسان و چو مصطفایش بنان

(همان: ۴۱۸)

۳. در انتظار ظهور منجی

موضوع «آداب انتظار» در شمار مباحث کلامی مهدویت لحاظ نمی شود بلکه در
ذیل رسالت منتظران در دوران غیبت مطرح می شود (دیمه کارگراب، ۱۳۹۵: ۵۶)
«انتظار» از جمله مقدمات پدیده جهانی ظهور است. اعتقاد به ظهور در مکتب شیعه،
منتظر را ملزم به تبعیت و اطاعت مطلق از ولایت آخرین حلقه امامت می گرداند. قرآن
کریم می فرماید:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء: ۵۹)؛

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الامر (اوصیای پیامبر) را...
(نجفی لیواری و محمدنیا، ۱۳۹۱: ۷۲).

ظهور منجی عالم بشریت در آخر الزمان، مسئله ای است که دانشمندان بزرگ اهل
تشیع و اهل تسنن بر حتمی بودن آن اتفاق نظر دارند. قرآن در این زمینه می فرماید: ﴿وَتُرِيدُ
أَنْ نُّمِّنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوْا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)
آری، فرعون برای انقراض بنی اسرائیل تلاش می کرد، در حالی که ما می خواستیم کسانی
را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند نعمتی گرانسنگ عطا کنیم؛ آنان را
پیشوایانی قرار دهیم که از ایشان پیروی شود و مواهبی را که در اختیار فرعونیان بود از آن
ایشان کنیم.

براساس این آیه به روشنی معلوم می‌گردد که اعتقاد به آخرالزمان و حوادث این دوره پر رمز و راز و ظهور مصلح جهانی، مورد اتفاق صاحبان شرایع آئین‌های جهانی است (حسینی نسب، بی‌تا: ۱۰). ابوالمحاسن، اندوه‌وارانه خطاب به امام عصر علیه السلام از طولانی شدن زمان انتظار و غیبت و به سرآمدن صبر^۱ منتظران می‌سراید. شاعر، برای برجسته ساختن این مفهوم از عبارت «قَرِيحَةُ الْأَجْفَانِ» (مژه‌گان زخم شده) استفاده می‌کند تا بدین وسیله میزان دلتنگی آنان از فراق موعود الهی را نشان دهد. اینجاست که زمین از فرط اشتیاق و یا از به تنگ آمدن از شرایط موجود بر منتظران، کوچک شده است و این به سبب وجود مردمی است که در زمین مورد ستم قرار می‌گیرند و این جاست که شاعر دست به استغاثه زده و بدین وسیله، از امام می‌خواهد تا با حضور معنوی بر این انتظار پایان بخشد:

طَالَ إِنْتِظَارُكَ وَالْعُيُونُ شَوَاحِصُ تَرْثُو إِلَيْكَ قَرِيحَةَ الْأَجْفَانِ
جَارَ الْقَوَى عَلَى الضَّعِيفِ فَلَا حِمَى مِنْ جَوْرِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۵۱)

انتظارت طولانی شد و چشم‌ها از حلقه بیرون آمده اند، سرپلک‌ها به سوی توبه آرامی نگاه می‌کنند. / قوی از ضعیف بهره‌کشی می‌کند و هیچ یاور و پشتیبانی نیست که از ستم ستمگران و دشمنان مانع شود.

در شعر شیرازی، انتظار فرج همراه با امید و نوعی مژده به منتظران آن حضرت است؛ چرا که شاعر انتظار موعودی را می‌کشد که با حضور او پرچم دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت برافراشته شده و جهان افسرده از حالت مردگی نجات می‌یابد و با بهره‌گیری از قدرت الهی از جانب خداوند یکتا ریشه نفاق و شرک را از بین می‌برد:

۱. بردباری در مسیر انتظار موعود از مهم‌ترین شاخصه‌های الگوی جامعه منتظر است که مطابق آموزه‌های قرآنی صبر را از عوامل آزمایش الهی به حساب می‌آورد که موفق‌تر و کامیاب‌تر عمل خواهد نمود (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۳). بنابراین شرط مهم انتظار صبر در مقابل نقصان‌ها و کمبودهاست (نجفی لیواری و محمدنیا، ۱۳۹۱: ۷۹) یکی از اموری که همواره همراه انتظار فرج از آن یاد شده «صبر» است. امام صادق علیه السلام درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد می‌فرماید: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ ثُمَّ سَكَتَ هُبَيْئَةً ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ» او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه‌ی او (ستاد ارتش او) بوده باشد، سپس کمی سکوت کرد و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است (تونه‌ای، بی‌تا: ۳۹؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۱۲۷).

هما ز بخت شکایت مکن که صبح امید پدید گشت چو آن آفتاب گشت عیان
به ماه رایت دین نبی برافروزد دوباره پیر جهان را کند به طبع جوان
به عرش مشعل توحید حق برافروزد نفاق و زندقه و شرک را برد ز میان
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۵)

الف) صبر و انتظار

صبر از اموری است که همواره همراه انتظار فرج از آن یاد شده است. امام رضا (ع) در این باره فرمود:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ؛

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ۶۴۵).

آری انتظار بدون عنصر پایداری و شکیبایی و صبر در برابر مشکلات، پوست‌های بدون مغز و قالبی بی‌محتوا است و در حقیقت انتظار نیست! روح و جوهر اصلی انتظار، مقاومت و صبر است (تونه‌ای، بی‌تا: ۳۹). ابوالمحاسن، از فرط به درازا کشیدن زمان غیبت دست به شکایت از مهدی (عج) می‌زند و انتظار صبورانه خویش را بیان می‌کند که این نیز نشانه عشق وی نسبت به امام عصر (عج) است. وی این صبر را گاه از سرشوق و گاه از سردرد می‌داند:

أَشْكُو إِلَيْكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ صَبْرَتِي شَوْقًا يَبْرُحُ بِالْمُشَوِّقِ الْعَانِي
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۴۹)

به تو شکایت می‌کنم در حالی که عشق مرا به خودت می‌شناسی، که این شوق برای عالم نوعی درد و رنج است.

ب) تأثر و اندوه در فراق و اشتیاق

اصل دیگر در انتظار فرج و آداب آن، براساس آیات قرآن شدت تأثر و اندوه در فراق و اشتیاق است که بی‌تردید محبت به امام را در دل افزون می‌کند و از سوی دیگر مانع از ورود مهر اغیار به دل می‌گردد (دیمه کارگزار و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). ابوالمحاسن نیز به شوق دیدار امام عصر (عج) امیدوار است و این دیدار برای او بسیار دوست داشتنی است و از نگاه او مردم این مسئله را به فال نیک گرفته و دل‌تنگ سختی‌های این مسیر نمی‌شوند:

وَرَجَاءُ اللَّقَاءِ حَبِيبٍ مِنْهَا مَا أَعَزَّ الْأَنْامُ عَيْشاً أَذْلاً

(همو: ۱)

امید به دیدار محبوب، آن را دوست داشتنی کرده است و مردم به همین خاطر
خاطری مکدر ندارند.

وی در بیتی دیگر همه سختی های این راه را در برابر رضای محبوب، ناچیز دانسته و
آن را شرط اصلی در این را برمی شمرد:

لَا أَبَالِي وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ بِدَمٍ فِي سَبِيلِ خُبْرِكَ طَلَا

(ابوالمحسن، ۱۳۸۳: ۱۷۵)

من اهمیتی نمی دهم در حالی که تواز من راضی باشی به خاطر خونی که در راه
عشق توجاری شود.

شاعر، بر این باور است که اگرچه امام عصر علیه السلام در میان مردم پنهان است ولی یقیناً
وجود دارد و روزی خواهد آمد و آمدنش نیز نزدیک است:

وَلَنَا يَقِينٌ أَنَّ ذَلِكَ كَائِنْ أَتِ قَرِيبٌ مَهْدُهُ الْمَتَدَفَى

(همو: ۲۵۱)

ما یقین داریم که این اتفاق وجود دارد و او خواهد آمد البته زمانش هم نزدیک است.

ج) باور ظهور مسیح علیه السلام با امام زمان علیه السلام

باور به ظهور شخصی که جهان را پراز عدل و داد کرده و ریشه های ظلم و ستم را
می چیند، اختصاص به اسلام نداشته بلکه شامل ادیان مختلف الهی و آسمانی می شود
و در اسلام، مسیحیت، یهودیت، آیین زرتشت و... به ظهور این شخص نوید داده شده
است و از روایات شیعه و اهل سنت این امر استفاده می شود (بخاری، ۱۳۹۲: ج ۴،
۱۴۳). پروردگار عالم، در مورد هدایت گری حضرت مسیح می فرماید:

﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً﴾

(نساء: ۱۵۹)

هیچ کس از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگ به مسیح علیه السلام خود ایمان آورد
و او در روز قیامت به ایمان شان گواهی خواهد داد.

در جایی دیگر در حدیثی آمده است که:

انَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلٌ مِّلَّهُ يَهُودِيٍّ وَلَا غَيْرُهُ إِلَّا آمَنَ بِهِ
قَبْلَ مَوْتِهِ وَيُصَلِّيَ خَلْفَ الْمُهْدِيِّ (مجلسی، بی تا: ج ۵۳، ۵۱؛ بخاری: ج ۴، ۱۴۳)

به طور مسلم، عیسی (ع) پیش از قیامت به این جهان فرود خواهد آمد. پیرو هیچ آیینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی ماند جز این که پیش از وفاتش به او ایمان می آورد. او پشت سر مهدی (عج) نماز می خواند. عیسی (ع) پس از نزول از آسمان، حقیقت دین خدا را به مسیحیان خواهد شناسانید؛ صلیب را خواهد شکست و بر مسیحیت دروغین مهر ابطال خواهد زد. ابوالمحاسن در ابیات زیر اعتقاد خود را مبنی بر این امر که در آخر الزمان، حضرت مسیح (ع) همراه با امام ظهور می کند، ابراز می دارد و یاری امام توسط مسیح (ع) را دلیل بر عظمت جایگاه امام می داند. وی در ادامه از این که امام احیاکننده دین محمدی است سخن گفته و بر این باور است که ظهور امام و احیای دین راستین توسط او برابر با نابودی بدعت هایی است که در آن ایجاد شده است:

يَأْتِي لِنُصْرَتِهِ الْمَسِيحُ مُؤَازِرًا وَ هُوَ الدَّلِيلُ عَلَى عَظِيمِ الشَّانِ
نَفْسِي فِدَاءً لِنَاصِرِ مُسْتَنْقَذٍ دِينَ الْهَدَى مِنْ مَبْدَعِ الْأَدْيَانِ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۵۰)

حضرت مسیح (ع) باوقار تمام برای یاری رساندن حضرت می آید و این خود تنها دلیلی برای عظمت شأن و جایگاه امام است. جانم فدای یاری گری که نجات دهنده دین هدایت و از ابداع گران دین است.

۴. غیبت

عصر غیبت در فرهنگ شیعی، با عنوان عصر انتظار شناخته می شود. این عصر به دلیل شرایط استثنایی ناشی از عدم دسترسی مردم به رهبری معصوم، دشواری ها، اقتضائات و الزامات خاص خود را دارد. در این زمینه، بررسی چگونگی تعامل مردم با امام غایب و شناخت تکالیف دینی - سیاسی جامعه منتظر، به ویژه گفت و گو درباره نقش و رسالت مردم در زمینه سازی ظهور، از مهم ترین اولویت های این دوران است که آثار و تبعات فراوانی را در پی دارد (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). ابوالمحاسن، امام را همچون خورشیدی^۱ می داند که در پشت ابر جهالت آدمی قرار دارد و دیدگان کوتاه بین بشر از

۱. حضرت مهدی (عج) در دوران غیبت نیز عهده دار وظایف امامت بوده و اوقات از فیض وجود وی بهره مند می گردند هر

دیدن نور ایشان بی بهره است. وی ظهور نکردن امام را دلیل بر عدم حضور ایشان ندانسته و در زمان غیبت، شوق و اشتیاق به دیدار آن حضرت شیرینی وصال به محبوب را بروی نمایان می‌کند:

غِبْتَ عَنَّا وَلَمْ تَغِبْ قَبَاثَ مِنْ يَقِينٍ بِهَا دَجَى الشَّكْ يُجَلِّى
أَنْتَ مِنَّا وَإِنْ نَأَيْتَ قَرِيبَ مِنْ صَمِيمِ الْحَشَا سَكَنْتَ مَحَلَا
لِى بِذِكْرَاكَ بِهَجَّةٍ وَإِرْتِيَاخَ وَمِنْ الذِّكْرِ مَا يُعَادِلُ وَصَلَا
(همو: ۱۷۴)

از ما پنهان شده‌ای ولی نور و پرتو ولایت تو یقیناً غایب نیست و شک و تردید از بین رفت. / وجود تو از ماست اگر چه اندکی دور شده‌ای ولی تو در وجود ما سکونت داری. / هنگام ذکر یاد تو مسرور و شاد می‌شوم، و این یادآوری، یادآور وصال یار است.

شاعر در بیتی دیگر بر این معنا اشاره می‌کند که اگرچه حضرت در میان ما نیست ولی قطعاً شمع وجود او در بین مردم پرتوافشان است و با وجود دوری ظاهری، در قلب ما جای دارد. ما یقین داریم او به زودی ظهور خواهد کرد و عدم ظهور او نشانه عدم حضورش نیست. وی تأکید می‌کند که ظهور او در این زمان، ظهوری انفسی است نه آفاقی و امام وجود داشته و بالاخره ظهور خواهد کرد:

وَلَنَا يَقِينٌ أَنَّ ذَلِكَ كَائِنٌ آتٍ قَرِيبٌ عَنْهُ الْمُتَدَانِ
(ابوالمحسن، ۱۳۸۳: ۲۵۱)

ما یقین داریم که آن حضرت وجود دارد و او در زمان خود به زودی خواهد آمد.

شیرازی، بر این باور است که با وجود پنهان بودن امام، مردم از وجود معنوی وی بی بهره نمی‌مانند و ایشان همچون آفتابی عالم تاب همگان را مورد عنایت خود قرار می‌دهند. وجود وی به مثابه چشمه حیات در کویر و سیرابی روح مردمان است:

چند این بهره‌مندی در مقایسه با دوران ظهور امام محدودتر است. امام در دوران غیبت در روایات تشبیه به خورشید پشت ابر شده است که زمین از آن بهره‌مند می‌گردد. پیامبر ﷺ فرمودند: «إِى وَالَّذِى بَعَثَنِى بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَتَنَفَعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلايَتِهِ فِى غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ»؛ آری سوگند به کسی که مرا به نبوت برانگیخت شیعیان در دوران غیبت به وجود قائم ﷺ منتفع و از نور ولایتش بهره‌مند می‌شوند آن‌گونه که مردم از خورشید بهره می‌برند هرچند که ابر آن را پوشانده باشد (مجلسی، بی‌تا: ج ۳۶، ۲۵۰).

ز چشم پیرو جوان گرچه رخ نهان دارد چو آفتاب رسد فیض او به پیرو جوان
 میان خلق نهان کرده چهره مهر فروغ چنان که در ظلماتست چشمه حیوان
 (شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۱۷)

۵. مدینه فاضله مهدوی

انقلاب امام عصر علیه السلام همچون دیگر انقلاب‌ها، بدون مقدمه و زمینه‌سازی، به وجود نمی‌آید؛ بلکه حرکت‌هایی شکل می‌گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می‌آورد. این سلسله قیام‌ها و انقلاب‌ها که از سوی حق پویان صورت می‌گیرد براساس آن چه در بعضی از روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کند (تونه‌ای، بی‌تا: ۱۰۱). یکی از حساس‌ترین بخش‌های حیات امام، برهه‌ای است که آن حضرت از جانب خداوند برای نهضت جهانی خود، مأموریت می‌یابد و به منظور اقامه عدل و داد بر سراسر گیتی، قیام می‌کند (حسینی نسب، بی‌تا: ۳۶). در نگاه ابوالمحاسن، حق و عدل اساس و پایه مدینه فاضله‌ای است که امام مهدی علیه السلام تشکیل می‌دهد و این امر به گونه‌ای است که سراسر آن را پوشانده و جای جای آن را در برگرفته است به طوری که کوچک‌ترین اثری از نابرابری در آن به چشم نمی‌خورد. از این رو شاعران حکومت حضرت به حکومت حق تعبیر کرده است:

هَذَا انْقِلَابٌ حُكْمُهُ الْحَقُّ الَّذِي تَقْضِي شَرَائِعُهُ عَلَى التَّيَجَانِ
 فَالْحَقُّ أَبْلَحُ وَأَضَحُّ مِنْهَا جُهِ وَالْعَدْلُ مَشْهُورٌ بِكُلِّ مَكَانِ
 يَا غَائِبًا مَا غَابَ فَيُضُّ وَجُودِهِ فَالْكُونُ مِنْهُ بِنِعْمَةٍ وَأَمَانِ
 (ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۵۰)

این انقلاب حکومت حقی است که قانون‌های آن اجرا می‌شود او بر تاج و تخت دنیوی قرار نمی‌گیرد/ حق روشن و راه آن نیز روشن و عدالت منشوری است که برای هر مکانی قابل استفاده است/ ای غایبی که فیض وجود او پنهان نیست چون که هستی از وجود وی متنعم است و در امان.

دنیای آخرالزمان و مدینه فاضله از نگاه شیرازی با ظهور امام متصور شده است؛ دنیایی که کوچک‌ترین اختلافی در آن به چشم نمی‌خورد و چون امام همچون خورشید از پس پرده غیبت بیرون آید ریشه فساد، شرک و فتنه را برمی‌کند و بدین ترتیب جهانی

عاری از آن‌ها تشکیل داده و آن را به سوی کمال رهنمون می‌سازد. با وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه آفتاب عدالت و رفع فتنه‌ها و بت‌های زمان و آن چه از شرک و نفاق پدید آمده است، عینیت می‌یابد:

وقتست کآفتاب ولایت شود عیان بردارد اختلاف از این دار پرفتن
چون آفتاب رایت او گردد آشکار دیگر نماند از وثنی نام و از وثن
شرک و نفاق و کین و حسد فتنه و فساد اوضاع بت پرستی و آیین برهمن
نام سمی خویش برآرد به آفتاب تا حفظ دین کند از غول راهزن
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۹۳)

هر دو شاعر معتقدند که مدینه فاضله حضرت، براساس حکومت عدل در جهان و ریشه کن کردن تمام جرثومه‌های ظلم و بی‌عدالتی در عالم شکل می‌گیرد یعنی آن چه از دیرباز آرزوی دیرینه عامه مردم بوده است.

۶. برپایی عدالت

قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه در آخرالزمان، عظیم‌ترین حادثه این برهه از تاریخ بشریت بر روی زمین به شمار می‌رود. در پرتو ظهور منجی عالم، ظلم و ستم از پهنه گیتی رخت بر می‌بندد و همه جهان، در پرتو حکومت عادلانه آن حضرت به زیور عدالت و آزادگی مزین می‌گردد (حسینی نسب، بی تا: ۳۰). انسان همواره در انتظار دنیایی خالی از جور و ستم و سرشار از عدالت بوده است؛ و این امر از فطرت انسانی که ذاتاً به عدالت میل دارد سرچشمه می‌گیرد. از مهم‌ترین اهداف قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه، برپایی عدل و قسط در جامعه بشری و بسط و توسعه آن بر کل کره زمین و بین تمام انسان‌ها است (تونه‌ای، بی تا: ۱۳۳). ابوالمحاسن معتقد است که امام، جهان را از نابرابری و بی‌عدالتی نجات خواهد داد. عدلی شامل که اثرات آن در تمام ارکان عالم مشهود است و مقدمات اساسی دین مهدوی را تشکیل می‌دهد. شاعر برای بیان مقصود خود، مبنی بر آمدن موعودی از خاندان پیامبر ص و برپایی عدالت توسط وی، سخن به میان آورده و جهان عدالت محوری را که سراسر آن را برابری تشکیل می‌دهد، نوید داده است. به کارگیری فعل «یَمْلَأُ» کثرت و فراگیری این عدل را افاده می‌کند:

صَدَقَ الْإِلَهُ نَبِيُّهُ وَنَبِيُّهُ قَدْ جَاءَنَا بِالْصِّدْقِ وَالْتَّبَيَّنِ

الْفَاطِمِي النَّسَبُ يَمْلَأُ أَرْضَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا وَقَائِمُ الْأَرْكَانِ
(ابوالمحسن، ۱۳۸۳: ۲۵۰)

پیامبر او، از جانب یک خداوند صادق آمده است و پیامبر نیز با صداقت و روشنگری قدم برداشته است / نسب او به فاطمه می‌رسد که روی زمین را با قسط و عدالت پر می‌کند و ارکان دین را برپا می‌دارد.

عدل مهدوی در دیدگاه شیرازی، عدلی جهان شمول است که در همه ارکان هستی نمایان می‌شود و اثرات آن در همه عالم هستی دیده می‌شود. شاعر تأثیر این عدل را در آسایش و امنیتی می‌بیند که در سراسر عالم گسترده شده است:
آنچنان ایمن شد از عدلش جهان کز پردلی کبک کهاری کند در چشم شاهین
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۴۰)

۷. مبارزه با ظلم و جور

«فراگیر شدن ظلم و جور» از نشانه‌های معروف ظهور امام عصر علیه السلام است. این نشانه در روایات بسیار، به چشم می‌خورد. همانطور که در دعای ندبه آمده است:

أَيُّ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرِ لِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعُوجِ أَيْنَ الْمُرْجَى لِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۰: ۱۱۳-۱۱۴)؛

امام عصر علیه السلام برای نجات مردم می‌آید و ستم را ریشه کن و بنای ظلم ستمگران را نابود می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید:

الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

... خداوند به وسیله ظهور مهدی علیه السلام زمین را پراز عدل و داد می‌سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ۲۱۷).

ابوالمحسن، ظلم و ستمی که برضعیفان حاکم شده را یادآور می‌شود و در این ابیات حسرت و ارانه از این که دنیا را جور و ستم فرا گرفته و طاغیان بر سرمستضعفان دست زور گرفته‌اند، اظهار اندوه می‌کند. گویی شاعر در قالب این گفتار اندوه‌وار خود، استغاثه به جانب امام برده و از وی می‌خواهد که با ظهور مبارک خویش ریشه این بساط را برچیند:
جَارَ الْقَوَى عَلَى الضَّعِيفِ فَلَا حِمَى مِنْ جَوْرِ أَهْلِ الْبَغَى وَالْعُدْوَانِ

وَأَلَى الْأَيْمِرِ تَصَاعَدَتْ أَنْفَاسُنَا فَتَسَاقَطَتْ شُهَبًا مِنَ النَّيِّرَانِ
وَجَنُّوا عَلَيْنَا وَاجْتَثُّوا مِنْ غَرْسِنَا ثَمَرًا فَبُعْدًا لِلْأَثِيمِ (الجانی)
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۵۱)

قوی برضعیف سلطه پیدا کرد و هیچ گونه حمایتی در مقابل ستم ستمگران و
کینه توزان وجود ندارد/ آتش کینه دشمن آمد و جان ما را در بر گرفت و همه ستارگان
از وجود این آتش فرو افتادند/ آنها بر علیه ما جنایت کردند و ثمر ما را ریشه کن
نمودند این آتش کینه نابود باد.

ابوالمحاسن، در ابیات زیر از نبود امام عصر علیه السلام و شیوع ظلم در عرصه جهان، اظهار
شکوه نموده و از عدم وجود عدالت سخن به میان می آورد و در خطاب به امام می خواهد
با سپاه مخلص خود بر این ظالمان چیره شده و آیه پیروزی بخواند:
مُلِّئْتُ هَذِهِ الْبَرِيَّةَ ظُلْمًا فَمَتَى تَمْلَأُ الْبَرِيَّةَ عَدْلًا
وَمَتَى يَقْدِمُ الْجَيْشُ لِسَاءِ آيَةِ النَّصْرِ فِي حَوَاشِيَةِ تُثَلَّى؟
(همو: ۱۷۵)

این مردم مورد ظلم قرار گرفته اند، پس کی این سرزمین سرشار از عدالت می شود؟ و
چه وقت لشکریان پرچم آیه پیروزی را تلاوت می کنند؟

شیرازی، نیز در مفهومی مشابه بر این باور است که جهان در آخر الزمان مملو از ستم
می شود و امام با ظهور خود بر این جور و ستم پایان خواهد داد؛ به طوری که با اقدام عملی
امام چیزی از شرک و کفر در جهان باقی نمی ماند:
جهان چوپر شود از دود کفر و آتش ظلم بسوزی از دم شمشیر کفر و کفرستان
لوای کفرشها ثنای مکارم تو بود اگر فرشته تکلم کند بود هذیان
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۶)

شیرازی در ابیاتی دیگر شیوع ظلم و ستم در جهان را از شرایط تعجیل در فرج امام
می داند و به منتظران، این وعده را می دهد که با ظهور مهدی موعود علیه السلام نور الهی سراسر
زمین را فرا می گیرد و حضرت تاریکی، جهالت، ظلم و بخل را کنار زده و اثری از آن در
عرصه گیتی باقی نمی گذارد؛ از این رو، عوامل شرک و دوگانگی از میان رفته و جهان
همچون باغ، پراز ایمان و آسایش می گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

سال نهم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

کند ظهور و زمین و زمان شود ظلام شرک چو گیرد همه زمین و زمان
نه ظلم ماند و ظالم نه بخل و جهل نه شرک ماند و مشرک نه کفر و کفران
شکفته گردد گلزار دین چسوباغ ارم ز خار شرک شود پاک گلشن ایمان
(همان: ۴۱۸)

الف) مبارزه با بدعت‌ها

بدعت به عنوان یک عامل مخرب ایمان، مهم‌ترین مسئله دینی و اصلی‌ترین آسیب می‌باشد (اشرفی و جمال امیدی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). منابع روایی از ظهور بدعت‌هایی در آخرالزمان خبر داده‌اند مانند: قدرتمند شدن گناهکاران، کم اطاعت کردن خداوند، آشکار شدن معصیت، علنی کردن فسق و فجور و... امام حسین (ع) فرمود:

امری که منتظرش هستید، محقق نمی‌شود تا اینکه بعضی از شما، از بعض دیگر بیزار شوید، بعضی از شما، آب دهان به صورت دیگری بیندازید، بعضی از شما به کفر بعضی دیگر شهادت دهید و بعضی از شما، بعضی دیگر را لعنت کند. راوی می‌گوید: «آیا خیری در آن زمان هست؟» امام فرمود: «تمام خوبی‌ها را در آن زمان قائم ما به پا می‌کند و همه آن بدعت‌ها را از بین می‌برد» (گلپایگانی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۵۰-۱۵۱).

به نظر شاعر با ظهور امام و از نیام برکشیدن شمشیر ظلم ستیزا، نه تنها از شرک و ظلم و بدعت چیزی باقی نخواهد ماند بلکه حضرت عدالت را گسترش خواهد داد. شاعر امام را چون آفتابی می‌داند که این بدعت‌ها و بت پرستی‌ها را نابود خواهد کرد:

نه ظلم مانده و بدعت نه شرک ماند و کفر چو از نیام کند تیغ عدل را عریان
چو آفتاب برآرد حسام بدعت سوز نماند از بت و از بت پرست نام و نشان
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۴-۴۰۵)

۸. احیای سنت پیامبر (ص)

احیای دین از مهم‌ترین شاخصه‌های مدینه فاضله مهدوی است که یکی از برنامه‌های اصلی حکومت حضرت مهدی (عج) و نشانه‌های عصر ظهور به حساب می‌آید (زمانی محجوب، ۱۳۹۴: ۱۵۱). حضرت مهدی (عج) قدرت تصرف در عالم کون و مکان را دارد و سر رشته جهان هستی به دست اوست چرا که آن حضرت خلیفه و جانشین خدا بر

روی زمین است و این جانشینی را از پیامبران و ائمه علیهم السلام به ارث برده است. ابوالمحاسن نیز در ظهور امام، احیای دین و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را می بیند که بنیان دین اسلام را مجدداً استحکام می بخشد و براین باور است که ظهور امام عصر علیه السلام گامی در جهت احیای سنت و دینی است که جد بزرگوار ایشان بنا نهاده بود ولی پس از ایشان رو به زوال رفته است و از اسلام راستین فاصله گرفته است.

تُحْيِي بِهِ سُتُنُ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ بَعْدَ الْمَمَاةِ وَشَرْعَةَ الْفُرْقَانِ
وَيُمَهِّدُ الدِّينَ الْحَنِيفَ مَشِيداً مَا أَسَسَ الْأَبَاءُ مِنْ بُنْيَانِ
(ابوالمحاسن، ۱۳۸۳: ۲۵۰)

حضرت با آمدنش سنت های پیامبر صلی الله علیه و آله و شرع و قرآن را بعد از مرگش احیاء می کند. / وی دین ابراهیم حنیف را برای استحکام دین آماده می بیند آن دینی که اجداد وی آن را بنیان گذاشته اند.

شاعر در جایی دیگر برپایی و احیای دین را متذکر می شود و از امام درخواست می کند تا با عدالت علوی خود اساس دین را برپا دارد. شاعر به وسیله حصر، با تقدیم خبر، آغاز و پایان دین را محصور در خاندان نبوت دانسته است:

قُمْ وَشِيدَ بِحَدِّ سَيْفِكَ دِيناً شَادَهُ ذُو فَارٍ جَدُّكَ قَبْلاً
مِنْكُمْ الدِّينُ بَدْوُهُ وَالْيَكُم عَوْدَهُ وَالْهَزْبُ يُعْقِبُ شِبْلاً
(همو: ۱۷۵)

برخیز و با تیزی شمشیرت دین را استوار کن، در حالیکه از قبل شکسته بود / آغاز دین تنها با شماس و انتهای آن نیز به شما برمی گردد شیر (بالغ) بچه شیر را دنبال می کند.

شیرازی، نیز براین عقیده است که امام با قدرت خداوندی خود، دین را نجات داده و اساس و بنای آن را استوار خواهد کرد. وی برای بیان این منظور از بیان امام باقر علیه السلام اقتباس کرده است که فرمود:

أَنَّ لِكُلِّ قَرْنٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ رَسُولاً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يُخْرِجُ إِلَى الْقَرْنِ الَّذِي هُوَ إِلَيْهِمْ رَسُولٌ، وَهُمْ الْأُولِيَاءُ وَهُمْ الرُّسُلُ (محمدی ری شهری، بی تا: ج ۹، ۴۰۸).

برای هر قرن و نسلی از این امت، رسولی از خاندان محمد است که در میان آن نسل که فرستاده به سوی آنهاست ظهور می کند. همینان هستند اولیا و

همین‌آند رسولان.

در شعر شیرازی، حضرت امانت بزرگ و ارزشمند معنوی پیامبر ﷺ است که با وجود او تمام عالم خلقت و کائنات به واسطه دادگرایی و ظلم‌ستیزی وی، در امنیت به سر خواهند برد:

قوی بنای شریعت شد و قواعد دین چنان‌که حص حقیقت شد استوار
مهرین ودیعه احمد بهین خلیفه حق که آسمان و زمین یافت از وجودش امان
(شیرازی، ۱۳۶۳: ۴۰۴)

وی در بیتی دیگر از حضرت با عنوان جانشین برحق امام حسن عسکری علیه السلام نام برده که برای ترویج دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و تأیید سنت او ظهور خواهد کرد و او تنها کسی است که اشاعه او امر الهی را بر عهده خواهد داشت:

بعد از حسن ز مهدی آل محمد است ترویج این شریعت و تأیید این سنن
(همو: ۳۹۴)

وجوه افتراق مضامین مهدویت در شعر «ابوالمحاسن» و «همای شیرازی»

علاوه بر مضامین مشترکی همچون: میلاد امام عصر علیه السلام، سیمای امام، در انتظار ظهور منجی (انتظار و صبر و تأثر اندوه در فراق و اشتیاق)، غیبت، مدینه فاضله مهدوی، برپایی عدالت، مبارزه با ظلم و جور (مبارزه با بدعت‌ها)، احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. افتراقاتی در شعر دو شاعر وجود دارد که شعر این دورا برجسته نموده است:

- در بین سروده‌های دو شاعر در باب موضوعات مهدویت، شیرازی با عنایت و تأثیرپذیری از فرهنگ غنی اسلام و تعهد دینی، با حس قوی‌تری موضوعات را بیان کرده که این امر تأثیر بیشتری در مخاطب به دنبال داشته است؛ و در بخش دیگر شاعر عرب زبان با کثرت موضوعات در خصوص مهدویت به نوعی توانسته است که ارادت و توان شعری خویش را نسبت به امام عصر علیه السلام نشان دهد.

- شیرازی در باب مبارزه با ظلم و جور از وجود بدعت‌هایی چنین آورده است که با ظهور امام عصر علیه السلام و شمشیر ظلم‌ستیزاونه تنها از شرک و ظلم و این بدعت‌ها چیزی باقی نخواهد ماند بلکه حضرت عدالت را گسترش خواهد داد در حالی که در بیان ابوالمحاسن اشاره‌ای به این موضوع نشده است که این خود می‌تواند بیانگر حس

اعتقادی و شناخت وی از اهل بیت علیهم السلام باشد.

- ابوالمحاسن در شعر خود موضوعاتی مانند: صبر در عصر انتظار، تأثرانده در فراق و اشتیاق و باور به ظهور مسیح علیه السلام را ذکر کرده است. وی به خاطر به طول انجامیدن زمان غیبت دست به شکایت زده و انتظار صبورانه خویش را بیان می کند که این صبر را گاه از سرشوق و گاه از سردرد می داند؛ اما به شوق دیدار امام عصر علیه السلام امیدوار است و این مسئله را به فال نیک گرفته و آزرده از سختی آن نمی شود. وی براین باور است که در آخرالزمان، حضرت مسیح علیه السلام همراه با امام عصر علیه السلام ظهور می کند و یاری کردن امام توسط مسیح علیه السلام را دلیل بر عظمت جایگاه امام می داند. این موضوع نیز می تواند برداشته و وسعت تفکر شاعر عرب زبان گواهی بدهد.

نتیجه گیری

- اعتقاد به ظهور منجی، از آرمان های مشترک تمامی ادیان و اقوام و ملل مختلف جهان است. منجی و موعودی که بساط ظلم را برمی چیند و حکومتی سرشار از عدل و داد را با خود به همراه دارد. این اعتقاد گستره وسیعی از ادبیات شیعی را فرا گرفته است و شاعران با سرودن اشعاری، ارادت خالصانه خود را به امام عصر علیه السلام ابراز می دارند.

- در نگاه شاعر عرب زبان ابوالمحاسن، میلاد امام عصر علیه السلام شب ختم ناامیدی مردم در روزگاری است که مردمان سال ها آرزوی آن را در دل داشتند. به نظری این میلاد نوری است هدایت بخش که نورانیت آن پرتوافشانی عام داشته است؛ اما از نظر شیرازی این میلاد به عنوان رحمتی الهی تشبیه شده که تجلی نور خداست که انسان ها را از ضلالت نجات می دهد.

- در باب سیمای امام عصر علیه السلام باید گفت حضرت در نگاه دو شاعر تصویری جذاب و پسندیده دارد که در نوع خود و حتی در میان سایر معصومین علیهم السلام بی بدیل است. ظهور امام عصر علیه السلام التیام بخش دیده گان گریان منتظرانش است و مردم را از خمودگی جهالت و ظلم رها می کند و ریشه نفاق با وجود او برداشته شده و پرچم اسلام در جهان به اهتزاز در خواهد آمد.

- یکی دیگر از موضوعات اشعار این دو شاعر غیبت است که مردم از اندوه فراق و اشتیاق به ندبه می پردازند؛ اما ایمان به موعود غایب، جرقه امید در درونشان است و از این رو ناامید نمی شوند و بی صبرانه در انتظار آمدن این منجی به سر می برند و تمام

سختی‌ها را تحمل می‌کنند. این دو شاعر از امام به عنوان خورشید تعبیر می‌کنند؛ چرا که در احادیث خوانده‌اند که بهره‌مندی از امام در عصر غیبت همچون بهره‌مندی از خورشید پشت ابراست. امام گرچه در غیبت به سر می‌برد و از دید عموم مردم پنهان است؛ اما در میان شیعیان حضور دارد و حیات بخش زندگی ایشان است.

- این دو شاعر در سروده‌های خویش از ظلم و جور زمانه به امام عصر (عج) شکوه می‌کنند؛ از ظلم‌هایی که در حق مسلمانان شده سخن می‌رانند. آنان مظلومیت شیعه را یادآور می‌شوند و با استغاثه ظهور امام را خواستارند. بی‌صبرانه به فرج امیدوارند؛ چرا که امام با آمدنش حکومتی بر عدل و داد برپا می‌کند که سراسر گیتی را در بر می‌گیرد و کوچک‌ترین اثری از ظلم و ستم در آن دیده نمی‌شود و زمین پر از نور و روشنایی می‌شود؛ عدالتی جهان‌شمول که فراگیر بوده و در سراسر عالم جایگزین ستم و شرک می‌شود. هر دو شاعر، در باب ظلم و جور، به جهت ستمی که بر مردم می‌رود نگرانند و منتظر تحقق نصر و فتح الهی هستند.

- با نگاهی اجمالی به مضامین موجود در شعر این دو شاعر، می‌توانیم مضامینی همچون: میلاد امام عصر (عج)، سیمای امام، در انتظار ظهور منجی (انتظار و صبر و تأثر اندوه در فراق و اشتیاق)، غیبت، مدینه فاضله مهدوی، برپایی حکومت عدل جهانی، مبارزه با ظلم و جور (مبارزه با بدعت‌ها)، احیای سنت پیامبر (ص) و... را که از مهم‌ترین مسائل مهدویت هستند بیان کرد. شعر شاعران فارس نسبت به شاعران عرب دارای تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب است؛ زیرا شعر شاعر فارس زبان، تصاویر ادبی زیبا، معانی لطیف و مضامین بلندی نسبت به شعر ابوالمحاسن دارد. آن‌چه در این پژوهش از سروده‌ی دو شاعر آمده، حاکی از آن است که عمق نگاه شاعر ایرانی با توجه به تعهد و پایبندی وی به مکتب خاندان عصمت و طهارت احساس و بیان او را در زمینه‌های مختلف بر سروده‌های ابوالمحاسن برتری داده است و این ویژگی خاص در نظر مخاطبین فارسی زبان پنهان نمانده است. به نظر می‌رسد شیرازی اعتقادات نظری خود را هر چند در یک گفتار به عمل تبدیل کرده است. وی با توان شاعری خود این حس را به خوبی به مخاطبین انتقال داده است؛ هر چند عناوین سیمای عدالت خواهی امام عصر (عج) و سایر موضوعات ذکر شده در شعر ابوالمحاسن با کثرت موضوع توانسته است در این راستا بهتر عمل کند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة (اسلامیه)، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۹.
- ابوالمحاسن، دیوان، تصحیح محمد علی یعقوبی، نجف: مکتبه الیعقوبی، الطبعة الأولى، ۱۳۸۳.
- اشرفی، عباس و جمال امید، نرجس، بدعت های دینی از نگاه قرآن، پژوهش نامه معارف قرآنی، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۳۹۴.
- ایوبی، رحیمه، «نقد و شرح نیمه نخست دیوان همای شیرازی»، پایان نامه دانشکده ادبیات دانشگاه یزد، ۱۳۹۲.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مترجم عبدالعلی نورا حراری، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، دوم، ۱۳۹۲.
- تونه ای، مجتبی، فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی (عج)، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، نشر مشهور، بی تا.
- حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیر المؤمنین، ترجمه محمد صادق بن علی رضا یزدی؛ تصحیح قربان مخدومی؛ با مقدمه علی اکبر مهدی پور، قم: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ۱۳۸۳.
- حسینی نسب، سید رضا، امام مهدی و آخر الزمان، بی تا، بی نا.
- خسروی، کبری و همکاران، بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سید رضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)، کاوش نامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۲.
- دیمه کارگراب، محسن و همکاران، بن مایه های کلامی در قصص قرآن کریم، دوفصل نامه مطالعات قرآن و حدیث، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، ۱۳۹۵.
- زمانی محبوب، حبیب، «جایگاه عدالت و پیشرفت در مدینه فاضله حضرت مهدی (عج)، فصل نامه آیین حکمت، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.
- صمدی، قنبر علی، «آموزه انتظار و زمینه سازی ظهور»، فصل نامه علمی پژوهشی مشرق

- موعود، سال سوم، شماره یازدهم، ۱۳۸۸.
- عبداللهی، محمود، سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر عربی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۴.
- غنی پور ملک‌شاه، احمد و همکاران، «امام زمان (عج)، نوستالژی آینده‌گرا در اشعار سلمان هراتی»، فصل‌نامه ادبیات دینی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۴.
- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم: دانش، دوم، ۱۳۸۰.
- کرمی، احمد، دیوان همای شیرازی (شکرستان)، تهران: نشرهما، ۱۳۶۳.
- کفافی، محمد عبدالسلام، ادبیات تطبیقی، ترجمه حسین سیدی، مشهد: به نشر، اول، ۱۳۸۲.
- گلپایگانی، لطف‌الله، سلسله مباحث امامت و مهدویت، قم: دفتر نشر آثار آیه الله صافی گلپایگانی، پنجم، ۱۳۹۱.
- مجاهدی، محمد علی، سیمای امام مهدی موعود در آیین شعر فارسی، قم: مسجد مقدس جمکران، دوم، ۱۳۸۴.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح گروهی از اندیشمندان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، کتابخانه مدرسه فقاہت، بی‌تا.
- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (عج) از دیدگاه فلسفه تاریخ، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ششم، ۱۳۹۸.
- نجفی لیواری، مریم و محمدنیا گالشکلامی، «واکاوی شاخصه‌های الگوی خانواده منتظر»، مجله معرفت، سال ۲۱، ۱۳۹۱.
- روزنامه ولایت، قزوین: ۱۳۹۴، <http://www.velaiatnews.com>

